



استخوانهای اژدها

ترجمه محترم عبد الغفور خان مترجم

حفریات تازه که در ظرف هفت سال گذشته در علاقه آبیانک (چین شمالی) بعمل آمده و تا کنون ادامه دارد، فصل جدیدی در تاریخ بشر از نقطه کشفیات آثار عتیقه و حفریات افزوده است - گرچه استخوان پاره های حاوی تحریرات قدیمه چین از مدت ۳۵ سال باینطرف وقتاً فوقتاً توسط دهائین علاقه آبیانک کشف و مورد مطالعه عتیقه شناسان چینی قرار گرفته، ولی ماهیت آنها فقط از زمانیکه کاشی به اصول علمی آغاز یافته انکشاف پذیرفته است.

از روی این عتایق مکشوفه، که غالباً تا امروز در نیای خارج از چین بی اطلاع اند، برهن میگردد که منچاوز از سه هزار سال قبل المیلاد (تقریباً مطابق با وانیکه حضرت موسی «ع» بنی اسرائیل را با اوضاع و احوال و هنرهای می نمود) چین شمالی، چنان تمدن عالی را مالک بود که تا امروز در خیال ساینس دانها نگذشته است. این مکشوفات یثبات میرساند که چین در آن زمان، دارای عمارت عمو میه بوده که از حیث ساختمان تا اندازه با معابد یونانی شبیه، و در عین حال آن گونه فن تزئین در آنها بنکار رفته که از مختصات عالم امروزی محسوب میگردد - و نیز ثابت میشود که چینی های آن وقت ظروف طونجی (مفرقی) را مانند صنعت گران امروز، بکمال مهارت و استادیه می بختند، کتب می نوشتند، مراسله می فرستادند و حقایق تاریخی را در قید تحریر می آوردند.

مکشوفات مزبور از اهالی دهکده «سیاوتون» در علاقه آبیانک (در ایالت شمالی هونان - قریب ۳۰۰ میل بمغرب بحر) بدست آمده - دهاقینی که در اراضی ساحلی دریای «هوان» (که به شمال دهکده واقع است) قلبه میکردند. بارها مشاهده می نمودند که بعد از قلبه کردن یابس از بارندگی، استخوان پاره های مخصوص در روی زمین پدیدار میگردد، که کناره بعضی از آنها لشم و گرد و سطح آنها عموماً هموار یا کمی محدب بوده و در روی محدب آنها، چقوری های بیضوی شکل و در بک بغل آن سوراخو بنظر میرسید که گویا سیخ آتشینی در آن فرورفته بود و از حصار سوخته سوراخ درزهاشو شبیه بدین شکل «آ» تشکیل یافته بود. استخوان های موسوف، جلب توجه «لی» نام دهقانی را نموده و نامبرده آنها را از زمین خویش و زمین همسایه های خود جمع کرده بعنوان «استخوانهای ازدها» به دو فروشان پیکن، برای استعمال ادویه بفروش رسانید.

دو سازان پیکن، اشکال روی استخوان های مزبور را بمعنی دانسته اعتنا نه نمودند و نامدت درازی کوفته با دو به مخلوط میکردند. روری در سال ۱۸۹۹ ع یکی از بن استخوان پاره ها که از هاون دو سازان بکنار مانده بود، بدست یک عتیقه شناس پیکن افتاد و نامبرده خطوط چینی آنرا که با سبک تحریر امر و زه چین متفاوت بود، خواند. در همین سال عتیقه شناس دیگری (که او هم طو خواندن نوشته جات قدیمه چین مهارت داشت) استخوانهای مزبور را در دهکده و مقام اصلی آن دیده بحقیقت مطلبی برد.

اینک با ثراین وقایع، دوره جدیدی برای مطالعه تاریخ قدیم شرق اقصی مفتوح شد. چه ثابت گردید که استخوانهای مذکور بن ما نی تعلق دارد که ۱۴ قرن قبل المیلاد آغاز و به قرن ۱۲ قبل المیلاد اختتام پذیرفته است و بنابراین علامات روی استخوانهای مزبور، قدیمتر بن نوشته چینی است که تا کنون بدست آمده و در واقع این استخوانها آثار مظلومانه اند که از دفاتر شاهی سلسله سلاطین

« شائک » (بحسب روایات از ۱۷۶۵ ق. م. الی ۱۱۲۳ ق. م.) باقی مانده و امروز برای ما رسیده است .

نوشته جات ابن استخوان یاره ها عبارات است از مناجات ها و استمداد و التجا بدرگام ارباب انواع و خصوصاً به اسلاف چینیان قدیم . فال بدن ابن مردم یا طریقه که بواسطه آن میخواستند اراده ارباب انواع و ارواح اسلاف قدیم خویش را بفهمند ، خیلی دلچسپ و بدینقرار است :-

اولاً استخوانهای نازک مثل استخوان ان شانه و استخوان شکسته بای مواشی و کاسه سنگ پشت (بالعموم کفه تحتانی آنرا) بدست آورده اصلاح و صیقل میکردند (چنانکه تا امروز مثل آئینه فلزی درخشان اند) بعدکناره های آنرا لشم می نمودند و سپس یک عده چقوربهای گرد و کوچک بطول تقریباً $\frac{1}{4}$ انچ در پشت آن طوری میکنند که از آن طرف استخوان نگذرد . و غالباً قبل از استعمال ، آنرا با قربانی یک لرگه و سالم ، اهدا و بخون آن می آلودند . در وقت استعمال از مراسم و تشریفات که بعمل می آید ، اطلاع بدست نیست و فقط اینقدر معلوم است که از ارواحان سوالی می نمودند . مثلاً می پرسیدند : « اگر پادشاه بخواند با ۳ هزار عسکر با مملکت تو ، بیچنگد ، ارواحان بدو کمک خواهند کرد ؟ » و متعاقب این سوال با سیخ طونجی ، داغ پشت استخوان را سوراخ میکردند . و از حرارت سیخ و درزبری روی استخوان پیدا میشد ، یکی موازی بسوراخ و دیگری تقریباً عمود برین درز . یعنی رو به مرفقه این « ا » شکل ترسیم می یافت و پیش گوینان از روی همین دو درز و نیز نظر به مقدار زاویه بین آنها ، جواب مثبت و منفی را معلوم میکردند . ولی هنوز طرز استدلال و شکون گرفتن ایشان بنزد ما مجهول است ، بهرحال ؛ بعد از ختم سوال و اخذ جواب فال بین سوال را در روی استخوان غالباً با قلم طونجی می نوشت (حاك میگرد) و از نهر بر جواب خود داری می نمود . ولی در بعضی



منظره عمومی با میان است که شاهد تاریخ مد نیت قدم وطن میباشد
متعلق شماره ۱۱ ساله - آینه



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ازین استخوانها کلمه «خوشبخت» نیز در اخیر سوراخ اضافه شده است. این مردمان قدیم در باب ناران و وقوع جنگ و وقت مناسب برای شکار و ماهی گیری زمان قربانی کردن برای اجداد خویش نوع قربانی حدود سیلاب یا باد تند و غیره چیزها فال میدیدند چنانکه تمام این نوشته جات در روی بیش از یکصد هزار یاره استخوان پیدا راست؛ اینک امر و زچنین اسنادی از چنان ادوار نامعلوم که عتیقه شناسان در خواب هم ندیده بودند بدست شان افتاده است حفاریات اصولی از سال ۱۹۲۸ تا کنون دوام دارد. علاوه ازین استخوانها چندین ظروف نفیس طونجی که بعد سلاطین «شانگ» تعلق میگیرند نیز درین علاقه کشف گردیده و بعضی ازین ظروف بقایات گرانبها است مثلاً یکی از آنها که در نزد یک عتیقه فروش «ببینگ» موجود است قریب پنجصد هزار افغانی قیمت دارد. پای تخت «شانگ» چنانکه گفته اند بر ساحل دریای «هوان» وقوع داشت و ازین محل مثل شهر «ترای» بقایای چندین شهر کشف شده است که بصورت طبقات یکی بالای دیگری بوده - مدت ها قبل از عصر سلاطین «شانگ» درین سرزمین مردمان «دور جدید سنگ» سکنا داشتند و آثار سفالی منقش (مثل آتاریکه در همین عهد مردمان اروپا استعمال میکردند) از خود باقی گذارده اند بعد از آنها گروه دیگری که آنها هم آلات سنگی را بکار می بردند درین ناحیه سکونت اختیار کردند و عصر شانرا (بواسطه مصیقت و نفیس بودن ظروف سفالی آنها) بعصر «سفال سیاه» موسوم کرده اند بعضی از ظروف سفالی این مردم مثل قطعه بازی «نارک» بود. قرار معلوم این مردم صنعت مزبور را از اراضی شرق خویش آموخته بودند. و ممکن بعضی از آنها تا زمان فرود آمدن اقوام شانگ (که نیزه ها و تبرهای طونجی و کمانی جنگ را استعمال میکردند) درین سرزمین زندگانی داشتند و حتی ممکن است که اقوام شانگ این مردمان را اسیر و غلام خویش ساخته و شهرهای خود را بالای ایشان بنا کرده باشند. ولو این

مسائل هنوز بطور یقین معلوم نیست.

مگر این امر محقق است که تمدن سلسله شانگ بر تمدن دوره جدید سنگ، نفوق شایانی داشته - مردمان دوره جدید سنگ، در مقاره ها نیکه از کندن خاک موسوم به لوئیس (خاک زود، حاصل خیز مخصوصه این ناحیه) می ساختند زندگی می کردند و غالباً سقف را از شاخ تبر و خاشاک می پوشیدند - مگر مردمان عهد سلسله شانگ، خانه های خوبی بر روی زمین تعمیر میکردند، و اول تهداب را کنده با خاک و غره توسط قالب های مخصوص، پرمی نمودند و این خاک را بعدی کو بیده سخت میکردند که مدت سه هزار سال، تحمل باران را نموده و تا کنون خراب نشده اند. و بعضی از این خاکها با اندازه سخت اند که وقتی کنده میشوند صدائی مثل قه لا، از آنها می براید. تهداب را عموماً بقدر سهفت باز باده بلند کرده بصورت صفت و قدری بزرگتر از خانه می ساختند و بعد دوروی آن بنیاد ستون ها را که عموماً از سنگ می بود می نهادند (در بعضی عبارات این زیر ستونی ها از قرص طه، نج بقطر ۱۶ اینچ و اندکی محدب شکل، دیده شده).

از این سلسله فقط همین تهدابهای صفت مانند و بیخ بک ستون سوخته باقی مانده. ولی از روی این وسائر شواهد، بخوبی مبرهن میگردد که اینیه آن عصر با اینیه حاضره چینی ها شباهت نزدیکی دارد.

از حفریات یا بتخت شانگ، لیسیت بد بگر چیزها، ظروف شکسته سفالی (که بعضی از آنها نقش های نقیسی دارند) بیشتر مکشوف گردیده. و در میان آنها چنان بک پارچه سفالی هم بافت شده که حتی در زمان سلسله شانگ، آثار عتیقه، بشمار آمده و غالباً بر دمان دوره قدیم سنگ تعلق میگردد. مردمان شانگ قرار معلوم بین عصر سنگ و عصر طولنج قرار گرفته اند، چه، از کشفات مزبوره هم آثار سنگی و استخوانی و هم آلات طولنجی بدست آمده است و از روی آنها معلوم می شود که این مردم در عصر خود در تمام کره ارض کمتر نظیر داشته و احدی از آنها فوق تر نبوده - حتی

امر و زاسباب ریختگی طولجی آنها مورد تعجب صنعت گران است. چه، با وجود آلات و افزار عصری و پیشرفت تمدن، نمیتوانند بهتر از ایشان بسازند. یول مبادله مردمان سلسله شانگ، کودی بود. ما طلار را یول مبادله قرار داده ایم زیرا کمیاب است. ایشان نیز کودی را بخاطری استعمال میکردند که از بحر واقع بجنوب دهانه در بای «بنگسی» می آمد. یعنی قبل از ورود به پایتخت شانگ، از میان فاصله تقریباً پنجصد میل، ازین ممالکی عبور میکرد که حاوی اهالی وحشی صفت، دریا های وسیع و جنگلات مملو از سباع بود. و بنا بر آن در نزد ایشان قدر و قیمت زیاد داشت. ولی این مردمان طلار اینزمی شناختند، چنانکه چند یاره آن که در آنجا نگ یافت شده است با متجا و زازینجهزار اشیای دیگر در خزانه زیرزمینی حفظ شده بود.

قلمرو بکه سلاطین شانگ (ولو شام) بر آن حکمرانی داشتند و بهمرفته قسمت بزرگی از چین امروزی را در بر نمیگرفت، چه، اگر در عهد حکمران توانا و سیدتر میشد در زمان حکمران ضعیف از سابق کمتر میگردد. سلاطین شانگ با قبائل واقع در شمال و مغرب خود، با رها محاربه کرده اند، چنانکه این مسئله از استخوان یاره های مذکور بخوبی آشکار است؛ و بوقت غلبه، علاوه آرد بگرا اشیاء اسپر نیز میگرفتند و غلام خود می ساختند و شاید در امور زراعت بکار می انداختند بعضی مورخین بدین عقیده اند که پیشه اکثر مردمان شانگ پرورش مواشی بود، از مطالعه نوشته جات استخوانهای مکشوفه، این نظریه تردید میشود. چه این نوشته جات، از زراعت و فصول و غله جات آنها بیشتر بخت کرده و از پرورش مواشی کمتر ذکر نموده است.

مردمان شانگ در شکار و ماهی گیری هم بقسم تفریح و هم بقسم کسب، اشتغال داشتند، مخصوصاً شکار خیلی معمول و عموماً برای تربیته عسا کر بعمل می آمد.

بقرار کتیبه‌های روی استخوانها، علاوه از آه و خنزیر و خرگوش و حیوانات دیگر، ارشکارفیل نیز ذکر شده و در جمله اشبای مکشوفه مردمان شانگ، استخوان لژگا و، خنزیر، خرگوش، گوسفند، بز، اسب، آه، سگ، سنگ پست، دراج، باز، شاهین، خنزیر وحشی، خرس، بلنگ، فیل، و حتی ناسخ دیده میشود.

از نظام اجتماعی این مردمان سی و سه قرن پیش چندان اطلاعی بدست نیست. اصول و رات آنها قاعده مخصوصی داشت. یعنی از پدر به پسر انتقال نمیکرد بلکه از برادر کلان به برادر خردتر میرسید و علی هذا القیاس تا آنکه از برادر کوچکتر بن به پسر انتقال میکرد.

زن‌ها صاحب مقام خوبی بودند. تعداد زوجات نیز رائج بود.

در مذهب چینیان قدیمه، مزبور پرستش اجداد، جزو اهم بشا مبرفت و عقیده داشتند که اجدادشان صاحب قدرت و اراده بوده هیچ امر مهمی بدون مشیت آنها بعمل آمده نمیتواند. دیگر از باب انواع و اقسام برای قربانی و استعانت می پرستیدند. کلمه «تی» و «شانگ تی» که بعضی اوقات بمعنی «حکمران علوی» ترجمه شده، نیز در استخوان یاره ها حاکم گردیده است. مبلغین عیسوی این نام را برای خدای به و د و اصراری استعمال میکنند، بعضی را عقیده برین است که چینیان دور قدیم مانند بهود موحد بودند. مگر از استخوان یاره ها این حقیقت ثابت نگردیده با اینهمه اسماء بعضی آلهه ذکر شده مثل: «مادر شرقی» - «مادر غربی» - «ازدها زن» و «حکمدار چهار سمت». چینیان عصر شانگ، «شرق»، «غرب»، «شمال» و «جنوب» را می پرستیدند. بعضی اوقات برای زمین نیز قربانی کرده و ضمناً طلب باران می نمودند. اشبای قربانی عموماً گاو، گوسفند، خنزیر، سگ و بعضی وقت اسب می بود. مشروب نیز اهدا میکردند معمول ترین طریقه قربانی، سوختاندن تمام حیوان یا قسمتی از آن بود که پس از ذبح در آتش قربانی می سوختاندند. طریق دیگر قربانی، دفن کردن

حیوان و یا بدریا انداختن آن بود. قربانی انسان بطور بقین هنوز معلوم نشده، ولی در يك مدفن زبرزمینی که در سال ۱۹۳۴ کشف شده سرهای سی نفر بدون تنه‌هایشان یافت گردیده و چنان معلوم می‌شود که ابتدا در موقع دفن کدام شهزاده پایادشاه، اقلأ یکصد نفر را در بن محل قربانی کرده اند.

مردمان شانگک علاوه از کتبیبه‌های روی استخوانها، کتاب‌ها نیز بر روی چوب یا بانگس به همراه يك نوع قلم، و که با قلم موئی چینیان امروزه شباهت نیست می‌نوشتند و بوسیله نسمه‌ها قطعات محرره را بسته کرده مجلدات ترتیب میدادند. شك نیست این مردم ادبیات قابل ملاحظه نیز داشته، ولی متأسفانه باقی‌نمانده است. خواندن نگارشات با محکوکات روی استخوانهای مزبور، خیلی سخت است، حتی يك فاضل چینی که در ادبیات و السنه قدیم چین هم مهارت کاملی داشته باشد، نمیتواند بدون مطالعه اشکال مخصوصه چینی آنرا بخواند، حل این نوشته جات ۳۵ سال گرفته است و اکثریه تراجم آن توسط فضلائی چینی بعمل آمده. زمانیکه مکشوفات علاقه آنیانگک در دسترس مطالعه دنیای کنوایی گذاره شود، آنوقت دانسته خواهد شد که کشف مزبور از مهمترین کشفیات عصر حاضر بوده است.

پرونده گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع انسانی

